بررسی میزان انطباق فضایی نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی در نواحی هشت‌گانه شهر یزد

محمدحسین سرائی دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

سمانه ایرجی* دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

دریافت: ۹۳/۰۵/۰۱ **پذیرش: ۹۴/۰۵/۰۷**

فصلنامه علمی- پژوهشی
اقتصاد و مدیریت شهری
شاپا: ۲۳۴۵-۲۸۷۰
نمایه در ISC، SID، Noormags، Magiran، Ensani، RICeST
www.Iueam.ir
سال چهارم، شماره سیزدهم، صفحات ۵۰-۳۵
زمستان ۱۳۹۴

چکیده: روند شهری شدن در کشورهای در حال توسعه، با عدم‌تعادل‌های خدماتی، پراکنش جمعیت و رشد بی‌قواره شهری مواجه بوده است؛ به‌طوری که ناپایداری به‌وجود آمده از این رشد ناموزون، به شکل عدم‌تعادل های فضایی- اجتماعی با نمودهای فقر شهری، اسکان و اشتغال غیررسمی و آلودگی‌های زیستی، نمایان شده است. تحقیق حاضر، به بررسی نابرابری‌های اجتماعی و فضایی موجود در مناطق و نواحی مختلف شهر یزد و چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر پرداخته است. روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی بوده و داده‌های لازم، از طریق روش کتابخانه‌ای و عمدتاً با استفاده از اطلاعات طرح تفصیلی سال ۱۳۸۸ شهرستان یزد گردآوری شده‌اند. رتبه‌بندی مناطق و نواحی شهر یزد از لحاظ توسعه اجتماعی، با استفاده از ۱۵ شاخص و با بهره‌گیری از روش تاپسیس و تاکسونومی نشان داد که منطقه ۳ و ناحیه ۳-۲ در رتبه اول و منطقه ۲ و ناحیه ۲-۱، در رده آخر قرار گرفته‌اند. انتخاب میانگین قیمت زمین به عنوان معیاری برای ارزیابی نابرابری اقتصادی میان نواحی مختلف شهر و مقایسه این شاخص با استفاده از آزمون ANOVA بیانگر این نکته بود که میان نواحی مختلف شهر یزد از این نظر تفاوت وجود دارد؛ به‌طوری که ناحیه ۳-۲ بالاترین ارزش و ناحیه ۱-۱ کمترین ارزش را به خود اختصاص داده‌اند. آزمون همبستگی بین میزان توسعه اجتماعی نواحی و ارزش زمین در آنها که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون انجام شد، نشانگر رابطه معنادار و مثبت بین این دو متغیر بوده است. لذا ما شاهد افزایش ارزش زمین به موازات افزایش توسعه‌یافتگی اجتماعی در نواحی مختلف شهر یزد می‌باشیم.

واژگان کلیدی: نابرابری اجتماعی، نابرابری اقتصادی، ارزش زمین، توسعه پایدار، شهر یزد

طبقه‌بندی JEL: Q۰۱, N۹۵, R۱۳, D۶۳

*مسئول مکاتبات: Irajis۸۵@gmail.com

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

۱- مقدمه

نابرابری، یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است. تمایزهای فردی؛ از قبیل توانایی‌های ذاتی، انگیزشی و تمایلات گوناگون افراد و تفاوت‌های اجتماعی؛ از جمله متفاوت بودن شیوه زندگی، حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازهایی که جامعه برای افراد قائل می‌شود و به صورتی نهادی درمی‌آیند، موجب بروز نابرابری هستند (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین، نابرابری را می‌توان به عنوان تفاوت‌های میان افراد در میزان برخورداری آنها از منابع اجتماعی و اقتصادی تعریف کرد (Osberg, ۲۰۰۷).

اما به رغم اینکه وجود نابرابری در استاندارد زیست در بین ساکنان یک شهر، پدیده جدیدی در هیچ‌یک از شهرهای جهان نیست، در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، به دلیل چشمگیر بودن تفاوت‌های اجتماعی- اقتصادی و پیدایش سکونتگاه‌های زیراستاندارد و گسترش خوش‌نشینی، تفاوت‌های فضایی شهرها، تشدید شده است (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷)؛ به‌طوری که همواره در این شهرها، تعداد محدودی از محلات، در رفاه و آسایش هستند و سایر ساکنان مناطق شهری، از رفاه و آسایش قابل قبولی برخودار نیستند (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱). بدین ترتیب، سکونت اقشار کم‌درآمد در مکان‌هایی که جاذب سایر گروه‌های اجتماعی نیستند، به تمرکز فقر می‌انجامد و این فرایند، به جدایی‌گزینی طبقه کم‌درآمد از سایر گروه‌های اجتماعی، منجر می‌شود (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷). بنابراین نابرابری اقتصادی، منجر به نابرابری اجتماعی می‌گردد؛ به‌گونه‌ای که گروهی از مردم، از دسترسی به اصول اولیه رفاه اجتماعی، محروم می‌شوند (Deverteuil, ۲۰۰۹).

نابرابری فضایی (یعنی نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی وابسته به مکان) درون‌شهرها، بازتاب نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی جوامع است (دانشپور، ۱۳۸۵) و نابرابری‌های اجتماعی، جنبه‌های مختلفی از محرومیت و رتبه‌بندی اجتماعی را دربر می‌گیرند (Pakulski, ۲۰۰۸). لذا توسعه اقتصادی، دارای ابعاد اجتماعی است و یکی از اهداف آن، کاهش نابرابری در جامعه و ایجاد رونق اقتصادی است. تجربه نشان داده که در کشورهای توسعه‌یافته، عدالت اجتماعی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و دستورکارهای سیاست‌های اقتصادی کلان آن کشورها است و هرچه کشورها پیشرفته‌تر باشند، به این مسأله با رویکردی جدی‌تر و تحقیقی‌تر توجه می‌کنند (شریف‌زادگان، ۱۳۸۶).

امروزه بحث از عدالت اجتماعی، در کانون مطالعات شهری در تمامی رشته‌های مرتبط قرار دارد (امان‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). در دهه‌های اخیر، جغرافی‌دانان نیز بیش از گذشته به تأثیر عدالت اجتماعی و نابرابری در مورفولوژی[۱] و سازمان‌یابی فضایی شهرها توجه داشته‌اند (رستمی و شاعلی، ۱۳۸۸). عدالت فضایی در شهرها بدان معناست که مکان زندگی هر فرد- حاصل از تقسیم کار اجتماعی- وی را از استحقاق اجتماعی محروم نکند و نابرابری‌های فضایی، تنها هنگامی موجه باشند که بهبود حیات همگانی را در پی داشته باشند (موسوی، ۱۳۹۱). اما در عمل، به علت تفاوت‌های ناشی از زیرساخت‌های طبیعی، نوع تصمیم‌گیری‌ها و الگوی برنامه‌ریزی فضایی، شاهد فضاهای نابرابر شهری هستیم و به علاوه، نابرابری سیمای فیزیکی محلات از نظر ساخت بافت، شبکه معابر، مساکن و تسهیلات آن و دسترسی به خدمات گوناگون، بر ناهمگونی فضایی محلات شهری می‌افزاید (رستمی و شاعلی، ۱۳۸۸).

در ایران، نابرابری فضایی شهرها، جلوه جدیدی یافته که شهر یزد نیز از این قاعده مستثنی نیست. این شهر، تا پیش از اصلاحات ارضی (۱۳۴۰) دارای محلات متعددی بود. روابط نزدیک اقتصادی- اجتماعی نظام

۱- Morphology

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

محله‌ای و شیوه تولید کارگاهی، بر نظم اجتماعی فضایی شهر تأثیرگذار بود و شهر، رشد ارگانیک و سازمان فضایی متعادلی داشت؛ به‌طوری که بین توزیع جمعیت و خدمات شهری، هماهنگی و سازگاری منطقی برقرار بود. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، نابرابری‌های فضایی و جدایی‌گزینی اکولوژیک، به ویژه در سطح شهر، موجب ترک جمعیت بافت قدیم، فرسودگی هر چه بیشتر آن و تبدیل آن به بخش فقیرنشین شهر شد و توسعه فیزیکی ناموزون و عدم‌تعادل و عدم‌انسجام شهر را به وجود آورد. رشد غیرارگانیک شهر در این فاصله، موجب شده ساختار فضایی شهر، شکل قطاعی به خود گیرد و نوعی جدایی‌گزینی اکولوژیک مبتنی بر ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی ساکنان را تجربه کند. بدین ترتیب، رشد پرشتاب شهر یزد در سال‌های اخیر، سازمان فضایی همگون و متعادل شهر را در هم شکسته و توسعه فیزیکی و کالبدی ناموزون شهر، موجب جدایی‌گزینی اکولوژیک شده است؛ به‌طوری که برخی از محلات و نواحی شهر، به لحاظ دسترسی به خدمات، در وضعیت بهتری قرار دارند؛ در حالی که بعضی از نواحی شهری که از لحاظ جمعیتی در سطح بالایی قرار دارند، از لحاظ توزیع خدمات، در وضعیت نامطلوبی قرار دارند (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۹).

در کنار آرمان توسعه و پیشرفت در فرایند برنامه‌ریزی، وجود تعادل و هماهنگی بین نواحی مورد نظر در برخورداری از مواهب توسعه، امری ضروری است (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷)؛ زیرا عدم‌پاسخگویی به نیازهای ساکنان محروم و کمتر برخوردار و لحاظ نکردن «اصل عدالت اجتماعی» باعث شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی؛ از جمله جرم، جنایت، فقر، فساد، امراض شهری و غیره خواهد شد؛ در نتیجه، ساختار اکولوژیکی انسانی و طبیعی شهر سالم مبتنی بر توسعه پایدار را برهم خواهد زد (رستمی و شاعلی، ۱۳۸۸). در این راستا، تحقیق حاضر، به بررسی رابطه میان نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در مناطق و نواحی شهر یزد پرداخته است. بدین ترتیب فرضیه اصلی تحقیق بدین شرح است:

میان نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در مناطق و نواحی شهر یزد، رابطه معناداری وجود دارد.

هم‌چنین فرضیه‌های فرعی تحقیق عبارتند از:

- میان مناطق و نواحی شهر یزد، نابرابری اجتماعی وجود دارد.

- میان مناطق و نواحی شهر یزد، نابرابری اقتصادی وجود دارد.

۲- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

الواردو و گاسپارینی[۱] (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «روندهای اخیر نابرابری و فقر در کشورهای در حال توسعه»، به بحث در مورد منابع داده‌ها و مسائل مربوط به اندازه‌گیری، شواهدی درباره سطح نابرابری و فقر در سطح کشور و منطقه، ارزیابی روند این متغیرها از اوایل دهه ۱۹۸۰ و یک بحث کلی از عوامل تعیین‌کننده آنها پرداخته‌اند. آنها معتقدند پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای در اندازه‌گیری نابرابری و فقر در کشورهای درحال توسعه وجود دارد، اگر چه هنوز مشکلات جدی در زمینه انطباق و مقایسه باقی مانده است. شواهد موجود نشان می‌دهند که به طور متوسط، سطح نابرابری درآمد ملی در کشورهای در حال توسعه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، افزایش یافته و در دهه ۲۰۰۰، افول کرده است. در اوایل دهه ۱۹۸۰ افت قابل ملاحظه‌ای در نابرابری فقر وجود داشته است که ناشی از عملکرد استثنایی کشور چین بیش از کل دوره و بهبود کلی استانداردهای زندگی در سراسر مناطق کشورهای در حال توسعه در دهه ۲۰۰۰ بوده است.

۱- Alvaredo and Gasparini

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

مندس[۱] (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «نابرابری، دموکراسی و رشد در برزیل» بیان کرده است که نابرابری، از اواسط دهه ۱۹۹۰ به شدت کاهش یافته است، ولی با این حال، برزیل، یکی از نابرابرترین کشورها در جهان است. کاهش نابرابری، نه تنها به دلیل سیاست‌های توزیع مجدد دولت است؛ بلکه ناشی از ظهور شرایط مطلوب در بازار کار می‌باشد. افزون بر این، چنین کاهشی بدین معنا نیست که سیاست توزیع مجدد دولت، کارآمد بوده است. در واقع، بسیاری از برنامه های دولت فدرال، تأثیر پسرفتی داشته است. مندس معتقد است روند کاهش نابرابری در طول دهه دوم قرن بیست‌ویکم، کند می‌شود و ممکن است در یک سطح بالاتر متوقف شود. از یک طرف، گسترش طبقه متوسط برای این گروه، شرایطی ایجاد می‌کند که خواستار خدمات عمومی بهتر و رشد اقتصادی بیشتر هستند و از طرف دیگر، تداوم رشد پایین و تعداد بالاتر خانوارهای فقیر باعث تمایل به تقویت توزیع مجدد می‌شود که به رشد پایین می‌انجامد.

باینلی[۲] و همکارانش (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان «نابرابری اجتماعی چیست و چرا مهم است؟ شواهدی از اروپای مرکزی و شرقی»، انجام داده‌اند. آنها معتقدند امروزه در مقایسه با نابرابری درآمدی یا ثروت، درک ضعیفی از نابرابری اجتماعی وجود دارد و در بهترین حالت، به صورت ناهمگونی، اندازه‌گیری می‌شود. آنها مفهوم نابرابری اجتماعی را با موقعیت نسبی افراد، به همراه ابعادی که دستاوردهای به‌دست آمده در گذشته و آینده را می‌سنجد، در نظر گرفته‌اند. شواهد حاصل از داده‌های دوازده کشور اروپای مرکزی و شرقی نشان دادند که الگوهای متضاد ملی نابرابری های اجتماعی، به طور قابل توجهی از الگوهای به دست آمده از ارزیابی نابرابری درآمد متفاوت است. به علاوه، ارزیابی آنها از نابرابری اجتماعی نسبت به نابرابری درآمدی، با سایر تفاوت‌های کشورها؛ مثل سطوح بالاتر عملکرد اقتصادی و توسعه انسانی و نهادهای سیاسی قوی‌تر، همبستگی بیشتری دارد.

لسمن[۳] (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «نابرابری فضایی و توسعه- آیا رابطه معکوس Uشکل بین این دو وجود دارد؟»، فرضیه وجود رابطه معکوس Uشکل بین نابرابری فضایی و توسعه اقتصادی را بررسی کرده است. تئوری کوزنتس[۴] (۱۹۹۵) و ویلیامسن[۵] (۱۹۶۵) بیان می کند که نابرابری فضایی، ابتدا در فرایند توسعه، افزایش و سپس کاهش می‌یابد. برای آزمون این فرضیه، داده‌های پانل‌های منحصر به فرد نابرابری‌های فضایی در ۵۶ کشور در مراحل مختلف توسعه اقتصادی در دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰ مورد استفاده قرار گرفت. روش‌های به کار رفته در این پژوهش، روش رگرسیون پارامتریک و شبه‌پارامتریک با استفاده از سطح مقطع و پنل (نامتعادل) می‌باشد. نتایج به‌دست آمده، تأیید محکمی برای وجود رابطه Uشکل و شواهدی مبنی بر اینکه نابرابری فضایی در مراحل بالای توسعه اقتصادی، دوباره افزایش می‌یابد، فراهم می‌نماید.

ب) پژوهش‌های داخلی

به طور کلی در ایران، بحث عدالت اجتماعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در تحقیقات و مطالعات دیده می‌شود که در زمینه‌های مختلف نابرابری‌های جهانی، منطقه‌ای، درون‌شهری، روستا- شهری و مانند آن، قابل تقسیم‌بندی هستند؛ اما مقالات و کتبی که به زبان فارسی با بنیان‌های فلسفی به مسأله عدالت اجتماعی پرداخته باشند، محدودند که از جمله این منابع می‌توان به آثار حسین شکویی اشاره کرد. آثاری که به

۱- Mendes
۲- Binelli
۳- Lessmann
۴- Kuznets
۵- Williamson

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

نابرابری‌های درون‌شهری پرداخته‌اند، عمدتاً به بحث حاشیه‌نشینی، مشاغل غیررسمی، مساکن ارزان‌قیمت و چگونگی توزیع فضایی خدمات شهری پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر، رساله‌های چندی، بی‌عدالتی‌های درون‌شهری را مورد بررسی قرار داده‌اند که از جمله می‌توان به رساله عماد افروغ (۱۳۷۶)، حسین حاتمی‌نژاد (۱۳۷۹)، نفیسه مرصوصی (۱۳۸۲) و عبدالنبی شریفی (۱۳۸۵) اشاره کرد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷). در ادامه، به نمونه‌هایی از مقالات و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه اشاره شده است.

زیاری و همکارانش (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری براساس توزیع جمعیت و قابلیت دسترسی در شهر بابلسر» با بیان این نکته که خدمات‌رسانی و برخورداری نامناسب و گاه متضاد مناطق مختلف شهرها از خدمات عمومی، با مفهوم عدالت فضایی در تضاد است، به بررسی میزان برخورداری محلات یازده‌گانه این شهر از خدمات مذکور پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان دادند که بین جمعیت به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در ارائه خدمات شهری و میزان برخورداری محلات مختلف شهر از خدمات شهری، رابطه متناسبی برقرار نیست و غالب ساکنین محلات نیز از وضعیت دسترسی به خدمات مذکور رضایت ندارند.

موسوی (۱۳۹۱) در پژوهشی، شکل پایدار شهر و عدالت اجتماعی در شهر میاندوآب را بررسی کرده است. هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر الگوی توسعه شهری بر نحوه توزیع خدمات و امکانات شهری در شهر میاندوآب بوده است. نتایج نشان دادند که تراکم جمعیت با توزیع خدمات دارای رابطه معناداری نسبی است؛ به‌گونه‌ای که محله‌هایی با تراکم جمعیتی خیلی بالا، دارای توزیع خدمات کاملاً نامتعادل هستند، بنابراین آسیب‌پذیری توسعه شهری میاندوآب با معیار قرار دادن توزیع خدمات (عدالت اجتماعی) آشکار می‌شود. به همین منظور، الگوی بهینه تراکم جمعیتی با تراکم جمعیتی ۲۵۰ نفر در هکتار در هر محله به عنوان الگوی توسعه شهری پایدار، پیشنهاد شده است.

تیربند و اذانی (۱۳۹۱) توزیع امکانات و خدمات شهری براساس عدالت اجتماعی را در شهر یاسوج بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان دادند که نواحی شهر یاسوج از نظر میزان دسترسی به امکانات و خدمات شهری، تفاوت زیادی با هم نداشته، قیمت زمین و در نتیجه، ارزش‌افزوده زمین در آن به طور معناداری از شاخص‌های مورد بحث پیروی کرده و خدمات ارائه‌شده بنا به موقعیت و نحوه توسعه شهر، به صورت عادلانه تقسیم شده‌اند و در نتیجه آن، ابتدا نواحی ۲ و ۱ شهری و سپس مناطق ۳ و ۴، به امکانات توسعه و ارزش‌افزوده دست یافته‌اند.

حاتمی‌نژاد و همکارانش (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای (مطالعه موردی: محله‌های قدیمی شهر میاندوآب)»، با استفاده از روش‌های آنتروپی[۱] و SAW[۲]، به تحلیل و رتبه‌بندی محله‌ها از طریق شاخص‌های کیفیت زندگی پرداخته‌اند. نتایج نشان دادند که ارتباط معناداری بین توزیع سرانه کاربری‌های شهری و کیفیت زندگی وجود دارد.

به طور کلی، نتایج تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهند مناطقی که نابرابری درآمدی در آنها بیشتر است؛ دارای نرخ بیکاری بالاترند و مقدار کمتری برای تعلیم و تربیت هر فرد هزینه می‌کنند و وضعیت آموزشی ضعیف‌تری دارند (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۱).

۱- Entropy
۲- Simple Additive Weighting

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

۳- مبانی نظری

عدالت، همواره از مهم‌ترین دغدغه‌ها و از والاترین آرمان‌های انسان بوده است و به لحاظ نظری نیز از مباحث مهم علوم اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود (لشکری، ۱۳۸۸). مفهوم عدالت، از منظرهای مختلف قابل بررسی است و مفاهیمی چون: عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی و عدالت محیطی نیز متأثر از چند بعدی بودن این مفهوم هستند (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷)؛ اما مطلب حائز اهمیت این است که هرگونه تغییر در سازمان فضایی، بر روابط اقتصادی و اجتماعی و توزیع درآمد در جامعه، تأثیر مستقیم می‌گذارد و مسلماً استفاده از مکانیزم‌ها و برنامه‌ریزی‌های مختلف، می‌تواند تأثیرات ضد و نقیضی در برقراری یا عدم‌برقراری عدالت ایفا کند (وارثی و همکاران، ۱۳۸۶).

در جغرافیای انسانی و جغرافیای شهری، نقش اول به عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی داده شده و جغرافیای انسانی تنها در راه بهبود محیط زندگی انسان و تأمین رفاه اجتماعی، اعتبار علمی یافته است (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷). از طرفی، بخش مهمی از علم بدیع توسعه پایدار، بر اهمیت برابری اجتماعی یا عدالت اجتماعی تأکید دارد. آگیی‌من و ایوانز[۱] (۱۹۹۴) استدلال کرده‌اند که تمامی تعابیر پایداری، بر اصل برابری دلالت دارند (Burton, ۲۰۰۱). از طرفی دیگر، موضوع عدالت اجتماعی، یکی از مباحث بسیار مهم در مکتب انسان‌ساز اسلام می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که خداوند متعال، هدف از بعثت انبیاء را اقامه قسط و عدل توسط مردم بیان می‌نماید (مرصوصی، ۱۳۸۶).

مفهوم عدالت اجتماعی در شهر؛ به معنی نگهداری منافع گروه‌های مختلف اجتماعی، به طور عام و گروه‌های هدف به طور خاص، از طریق گسترش بهینه منابع شهری، درآمدها و هزینه‌ها است (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱). مفهوم و کارکرد عدالت اجتماعی، از اواخر دهه ۱۹۶۰، وارد ادبیات جغرافیایی شد و جغرافیای رادیکال و لیبرال را بیش از سایر مکتب‌ها تحت تأثیر قرار داد. این نوع جغرافیای مردمی که در راستای رسیدن به عدالت اجتماعی تلاش می‌کند، به پیشنهادهای پتر کروپتکین[۲] در زمینه پیکار علیه فقر، ناسیونالیسم اروپایی و نژادپرستی، در بیش از یک قرن قبل بازمی‌گردد. مسائلی نظیر: رفاه اجتماعی، نابرابری‌های شدید، فقر، شیوع امراض، نژادپرستی، قوم‌گرایی، جرم و جنایت، انتظار عمر، اصالت زن و آلونک‌نشینی که تا آن زمان در جغرافیا فراموش شده بود، به سرعت مورد توجه جغرافی‌دانان قرار گرفتند و هر یک از این موضوعات، جغرافیای خاص خود را یافتند. بدین‌سان از دهه ۱۹۷۰ به بعد، نظام ارزشی و نظام اخلاقی، تفکرات جغرافیایی را به مسیرهای تازه‌ای کشانده است (تیربند و اذانی، ۱۳۹۱).

علاوه‌بر آن، دیوید هاروی[۳] با انتشار کتاب خود تحت عنوان «عدالت اجتماعی و شهر» (۱۹۷۳)، مسیرهای تازه‌ای در جغرافیای شهری گشود و جغرافیای شهری را بیش از پیش به استفاده از عدالت اجتماعی در جامعه شهری نزدیک کرد (وارثی و همکاران، ۱۳۸۷). به اعتقاد هاروی، عدالت را اساساً می‌توان به عنوان اصل (یا مجموعه‌ای از اصول) در نظر گرفت که برای حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است. در واقع عدالت اجتماعی، کاربرد خاص این اصول برای فائق آمدن بر تعارضاتی است که لازمه همکاری اجتماعی برای ترقی افراد می‌باشد (طبیبیان و همکاران، ۱۳۸۹). از نظر دیوید هاروی، عدالت اجتماعی و فضایی در شهر باید به گونه‌ای باشد که پاسخگوی نیازهای جمعیتی باشد، تخصیص منطقه‌ای منابع و امکانات شهری را به گونه‌ای

۱- Agyeman and Evans

۲- Peter Kropotkin
۳- David Harvey

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

هدایت کند که افراد با حداقل شکاف و اعتراض نسبت به استحقاق حقوق خود مواجه باشند و نیازهای جمعیتی آن در ابعاد مختلف برآورده گردد و در یک کلام، عدالت اجتماعی؛ یعنی «توزیع عادلانه از طریق عادلانه» (امان‌پور و همکاران، ۱۳۹۳).

به عقیده هاروی، مفهوم عدالت به اندازه‌ای همه‌شمول نیست که بتوان در قالب آن، درباره یک اجتماع خوب قضاوت کرد. اصولاً عدالت اجتماعی باید ناظر بر تقسیم ثمرات تولید و توزیع مسئولیت‌ها در فرایند کار جمعی باشد. همچنین این اصول شامل: نهادها و سازمان‌های اجتماعی مرتبط با فعالیت تولید و توزیع نیز می‌باشد. لذا به کمک این اصول می‌توان مسائل متنوعی مانند: مکان‌یابی قدرت و توانایی تصمیم‌گیری، توزیع نفوذ نهادهای کنترل‌کننده و تنظیم‌کننده فعالیت‌ها و جز آن را بررسی کرد. هاروی بر جنبه‌های اخلاق‌گرایانه جغرافیا در خصوص تأمین عدالت اجتماعی و رسالت جغرافی‌دانان در تأمین عدالت فضایی تأکید دارد. وی مسأله علم جغرافیا را به منظور اجرای عدالت اجتماعی، دستیابی به نوعی سازمان‌یابی فضایی می‌داند و معتقد است که شرط لازم و اولیه چنین کاری این است که معیار اجتماعی عادلانه‌ای، اولاً برای تعیین حد و مرز مناطق و ثانیاً برای تخصیص منابع به این مناطق داشته باشیم. شرط اول، مربوط به مطالعات سنتی جغرافیا؛ یعنی منطقه‌بندی است و در زمینه تخصیص منابع نیز هاروی، پایبند این استدلال رالز[۱] است که بیشترین منابع باید به محروم‌ترین مناطق اختصاص یابند (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۷).

در مکتب جغرافیای لیبرال، در سال ۱۹۷۷، دیوید اسمیت[۲] کتاب «جغرافیای انسانی: رهیافت رفاه» را منتشر کرد که در آن، شاخص‌های شناخت رفاه و تحلیل عدالت اجتماعی را بررسی کرده بود. در سال ۱۹۹۱، کمیته جغرافیای اجتماعی و فرهنگی مؤسسه جغرافی‌دانان انگلیس، گزارشی در زمینه عدالت اجتماعی و جغرافیا منتشر کرد که در آن تحلیل‌هایی در مورد برندگان و بازندگان جامعه انجام داده بود.

در سال ۱۹۹۴، اثر ارزشمند اسمیت، با عنوان «جغرافیا و عدالت اجتماعی»، فصل تازه‌ای را در علم جغرافیا گشود. در این اثر چنین آمده است: جغرافیا باید در نظریه و عمل، با عدالت اجتماعی، پیوند داده شود. جغرافیا بدون عدالت اجتماعی، فاقد آن قدرت و توانی خواهد بود که بتواند در مطلوبیت‌بخشی به زندگی انسانی توفیق یابد. حتی دموکراسی واقعی، زمانی امکان‌پذیر است که با عدالت اجتماعی همراه باشد (حاتمی‌نژاد و راستی، ۱۳۸۵). از دهه ۱۹۸۰ در امریکا، در دوره ریاست جمهوری ریگان و بوش[۳] و در بریتانیا در دوره نخست‌وزیری مارگارت تاچر[۴]، نابرابری ژرفی میان گروه‌های درآمدی ظاهر شد. از این تاریخ به بعد، جغرافی‌دانان آمریکایی و انگلیسی، به جای نگرش خنثی و بی‌تفاوت به شرایط زندگی انسان، فضای جغرافیایی را با نگرش‌های اخلاقی، عدالت‌خواهانه و انسانی، بررسی کردند. متفکران عصر ما در این مورد چنین اظهارنظر کرده‌اند: در پیرامون جامعه‌مان، به نابرابری‌های عظیمی در قدرت سیاسی، پایگاه اجتماعی و تجاوز به منابع اقتصادی برخورد می‌کنیم. عدالت اجتماعی، کیفیت آشکار در کاهش این نابرابری‌هاست که در یک فرایند، به اعاده نابرابری‌ها می‌انجامد. بهره‌کشی، حاشیه‌ای شدن، نبود قدرت در گروهی از مردمان، امپریالیسم فرهنگی و کاربرد خشونت، پنج ویژگی بی‌عدالتی هستند که بیشتر در برابر عدالت اجتماعی قرار می‌گیرند (حاتمی‌نژاد و راستی، ۱۳۸۵).

۱- Rawls
۲- David Smith
۳- George and Bush
۴- Margaret Thatcher

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

از نظر جغرافیایی، نمی‌توان ساخت اجتماعی را از ساخت‌های فضایی جدا کرد. در مباحث جغرافیایی، بر تولید فضا و نحوه توزیع آن تأکید شده است؛ زیرا نظریه مربوط به فضا و جامعه، افق‌های تازه‌ای را در مباحث گشوده که تا سال ۱۹۸۰ در تاریخ علم جغرافیا، سابقه نداشته است. این نگاه به عدالت اجتماعی در شهر، منجر به رشد دیدگاه‌هایی از قبیل؛ «مکتب جغرافیای ساختاری» در شهرها شده که بیشتر بر شناخت عمیق نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی در شهرها تأکید می‌کند که در نتیجه آن، تخصیص فضایی منابع محدود در شهرها به وجود آمده است (رهنما و ذبیحی، ۱۳۹۰).

آنچه در این مقاله بیشتر مورد تأکید است، بیان عدالت از وجه فضایی است؛ به‌طوری که وجود یا عدم‌وجود رابطه بین نابرابری اجتماعی و نابرابری اقتصادی را بررسی می‌نماید. در این زمینه، فرض بر این است که بین نابرابری اجتماعی و نابرابری اقتصادی مناطق و نواحی مختلف شهر یزد، رابطه معناداری وجود دارد.

۴- روش تحقیق

هدف این تحقیق، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی- تحلیلی است که در بین انواع تحقیقات توصیفی، از نوع مطالعه موردی می‌باشد. روش اصلی و عمده جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتابخانه‌ها و گزارش‌های آماری و مطالعاتی سازمان‌های مربوطه بوده است. بررسی نابرابری اجتماعی مناطق سه‌گانه و نواحی هشت‌گانه شهر یزد، با استفاده از شاخص‌های مندرج در جدول ۱ و با بهره‌گیری از روش‌های تاپسیس و تاکسونومی عددی انجام شده است. برابری یا عدم‌برابری اقتصادی نیز با استفاده از میانگین قیمت زمین در مناطق و نواحی مختلف شهر و با استفاده از آزمون ANOVA، مورد ارزیابی قرار گرفت. به منظور سنجش وجود رابطه بین توسعه اجتماعی و قیمت زمین، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نقشه ۱، تقسیمات کالبدی شهر یزد را در سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد.

جدول۱- شاخص‌های سنجش وضعیت اجتماعی در این پژوهش

ردیف	شاخص	ردیف	شاخص	ردیف	شاخص
۱	بعد خانوار	۶	بار تکفل	۱۱	درصد ساختمان‌های مسکونی مرمتی
۲	نسبت خانوار به واحد مسکونی	۷	معکوس نرخ اشتغال	۱۲	درصد ساختمان‌های کم‌دوام
۳	درصد بی‌سوادی کل	۸	تراکم جمعیت در واحد مسکونی	۱۳	درصد مسکن کم‌دوام
۴	درصد بی‌سوادی زنان	۹	درصد کمبود مسکن	۱۴	درصد ساختمان‌های تخریبی
۵	درصد بی‌سوادی مردان	۱۰	درصد ساختمان‌های مسکونی تخریبی	۱۵	درصد ساختمان‌های مرمتی

منبع: (روستایی و همکاران، ۱۳۹۱)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

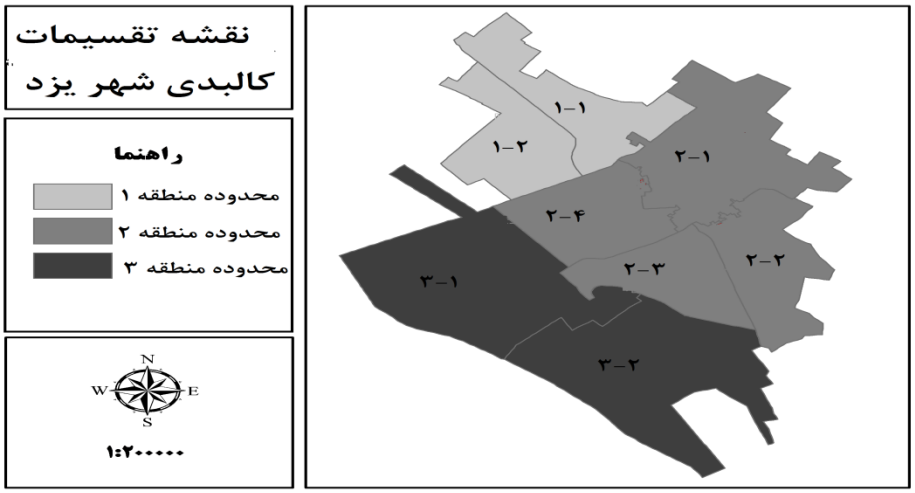

نقشه ۱- تقسیمات کالبدی شهر یزد

منبع: (https://maps.google.com)

۵- یافته‌های پژوهش

هدف این پژوهش، بررسی وجود رابطه بین نابرابری اجتماعی و نابرابری فضایی در مناطق و نواحی شهری یزد است. بدین منظور به طبقه‌بندی مناطق سه‌گانه شهری به لحاظ برخورداری از توسعه اجتماعی پرداخته شد. ابتدا جداولی به شرح جداول ۲ و ۳ تهیه گردید. سپس با استفاده از روش تاپسیس و تاکسونومی عددی، رتبه مناطق و نواحی تعیین شد.

جدول ۲- شاخص‌های مورد استفاده در تبیین وضعیت اجتماعی مناطق شهر یزد

منطقه / شاخص	۱	۲	۳
بعد خانوار (برحسب نفر)	۳/۸	۳/۶	۳/۷
نسبت خانوار به واحد مسکونی (برحسب خانوار در واحد مسکونی)	۱/۰۳	۱/۰۳	۱/۰۱
درصد بی‌سوادی کل	۸/۱	۱۰/۲	۵/۱
درصد بی‌سوادی زنان	۱۰/۵	۱۳/۵	۶/۲۴
درصد بی‌سوادی مردان	۶	۷	۴
درصد ساختمان‌های تخریبی	۲/۸	۵/۳	۱
درصد ساختمان‌های مرمتی	۲۴/۱	۱۱/۶	۱۱/۱
درصد ساختمان‌های مسکونی تخریبی	۱/۸	۴/۸	۰/۷
درصد ساختمان‌های مسکونی مرمتی	۲۶/۹	۱۲/۱	۱۲/۷
بار تکفل	۰/۳۷	۰/۴۲	۰/۳۸
تراکم جمعیت در واحد مسکونی (برحسب جمعیت در واحد مسکونی)	۳/۹۵	۳/۷۷	۳/۸
درصد ساختمان کم‌دوام	۶/۹	۲۲/۲	۲/۳
درصد مسکن کم‌دوام	۶/۲	۲۲/۴	۲
معکوس نرخ اشتغال	۱/۲۶	۳/۴۱	۱/۸۶
درصد کمبود مسکن	۱/۴۲	۳/۲۳	۳/۳۶

منبع: (مهندسین مشاور آرمانشهر، ۱۳۸۸)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

جدول ۳- شاخص‌های مورد استفاده در تبیین وضعیت اجتماعی نواحی شهر یزد

نواحی / شاخص	۱-۱	۲-۱	۱-۲	۲-۲	۳-۲	۴-۲	۱-۳	۲-۳
بعد خانوار (برحسب نفر)	۳/۷	۳/۹	۳/۶	۳/۷	۳/۸	۳/۶	۳/۹	۳/۶
نسبت خانوار به واحد مسکونی (برحسب خانوار در واحد مسکونی)	۱/۰۴	۱/۰۳	۱/۰۶	۱/۰۲	۱/۰۲	۱/۰۱	۱	۱
درصد بی‌سوادی کل	۱۱/۳	۶/۱	۱۳/۶	۶/۹	۸/۸	۸/۲	۶/۴	۲/۳
درصد بی‌سوادی زنان	۱۴/۱	۸/۲	۱۷/۵	۹/۲	۱۲/۳	۱۱/۱	۸	۴/۵
درصد بی‌سوادی مردان	۹	۴	۱۰	۵	۶	۵	۵	۱
درصد ساختمان‌های تخریبی	۵	۰/۲	۷/۱	۲/۳	۴/۲	۵	۰/۵	۰/۱
درصد ساختمان‌های مرمتی	۱۲/۸	۳۷/۲	۲/۸	۲۹/۸	۲۰	۸/۹	۱۴	۷
درصد ساختمان‌های مسکونی تخریبی	۳/۷	۱.	۶/۳	۲/۴	۴/۸	۴	۰/۴	۰/۱
درصد ساختمان‌های مسکونی مرمتی	۱۱/۶	۳۹/۹	۳/۴	۳۱/۱	۱۸/۴	۹/۹	۱۶/۱	۷/۷
بار تکفل	۰/۴۴	۰/۳۳	۰/۴۶	۰/۳۹	۰/۳۷	۰/۴	۰/۴۵	۰/۳۳
تراکم جمعیت در واحد مسکونی (برحسب جمعیت در واحد مسکونی	۳/۸۴	۴/۰۳	۳/۸۷	۳/۷۶	۳/۸۶	۳/۶۱	۳/۹۵	۳/۶
درصد ساختمان کم‌دوام	۱۲/۷	۰/۱	۳۵	۷/۷	۱۱/۲	۱۶/۴	۱/۲	۰/۱
درصد مسکن کم‌دوام	۱۳/۳	۰/۱	۳۳/۸	۸/۴	۱۳/۷	۱۶/۴	۱	۰/۱
معکوس نرخ اشتغال	۱/۸۶	۲/۲۸	۱/۹۲	۲/۲۳	۲/۱۲	۲/۱۵	۲/۱۹	۲/۳۷
درصد کمبود مسکن	۳/۵۸	۳/۰۱	۵/۷۳	۲/۲۱	۱/۵۴	۱/۳۴	۲/۳۱	۰/۳۷

منبع: (مهندسین مشاور آرمانشهر، ۱۳۸۸)

نتیجه این رتبه‌بندی که در جدول ۴ نشان داده شده، گویای این مطلب است که براساس هر دو روش، منطقه ۳ شهرداری، از وضعیت بهتری نسبت به مناطق دیگر شهری برخوردار است و منطقه ۲ شهرداری، بدترین وضعیت را در این زمینه داراست. برای هر دو روش، ضریب تغییرات امتیاز مناطق شهر محاسبه شد که این ضریب در روش تاپسیس، بسیار بزرگتر از روش تاکسونومی می‌باشد. بررسی امتیازات مناطق در روش‌های دوگانه نشان می‌دهد امتیاز منطقه ۲ و منطقه ۳ در روش تاکسونومی بسیار به هم نزدیک است؛ این در حالی است که تفاوت امتیازات این دو در روش تاپسیس چشمگیر می‌باشد. بنابراین براساس روش تاپسیس، اختلاف زیادی بین مناطق شهر یزد از نظر میزان برخورداری از شاخص‌های اجتماعی وجود دارد. با توجه به شاخص‌های این سه منطقه، منطقه ۳ از لحاظ شاخص‌هایی چون: درصد بی‌سوادی زنان، درصد ساختمان‌های تخریبی و درصد ساختمان‌های کم‌دوام، وضعیتی به مراتب بهتر از دو منطقه دیگر دارد. از طرف دیگر، منطقه ۲ که در پایین‌ترین رده جای گرفته است، از نظر شاخص‌هایی مانند: درصد ساختمان‌های مسکونی تخریبی، درصد ساختمان‌های کم‌دوام، درصد مسکن کم‌دوام و معکوس نرخ اشتغال، نسبت به دو منطقه دیگر، از وضعیت چندان مناسبی برخودار نمی‌باشد.

جدول ۴- امتیاز و رتبه نهایی وضعیت اجتماعی مناطق شهر یزد

	روش تاپسیس		روش تاکسونومی	
منطقه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه
۱	۰/۷۴	۲	۰/۵۳	۲
۲	۰/۰۸	۳	۰/۶	۳
۳	۰/۹۵	۱	۰/۳۴	۱
ضریب تغییرات (R)	۰/۸۷		۰/۲۶	

منبع: (محاسبات نگارندگان)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

میزان برخورداری نواحی هشت‌گانه شهر یزد از نظر شاخص‌های اجتماعی با استفاده از روش تاپسیس و تاکسونومی در جدول ۵ و نقشه ۲ آورده شده است. براین‌اساس، در هر دو روش محاسبه‌شده، ناحیه ۳-۲ به عنوان برخوردارترین و ناحیه ۲-۱ به عنوان محروم‌ترین ناحیه مشخص شده‌اند. مقایسه نتایج حاصل از این دو روش نشان‌دهنده تفاوت زیاد رتبه ناحیه ۲-۴ و ۱-۲ در این روش‌هاست؛ به‌طوری که ناحیه ۱-۲ براساس روش تاپسیس در رده سوم قرار دارد؛ در حالی که در روش تاکسونومی، حائز رتبه هفتم شده است. این امر در مورد ناحیه ۲-۴ هم صدق می‌کند؛ یعنی در حالی که این ناحیه براساس روش تاکسونومی جز مناطق برخوردار محسوب می‌شود، در روش تاپسیس در رده یکی مانده به آخر جای گرفته است. بررسی ضریب تغییرات هم نشان می‌دهد که براساس روش تاپسیس، نواحی هشت‌گانه از لحاظ توسعه اجتماعی تفاوت بیشتری نسبت به یکدیگر دارند. بررسی مقدار عددی شاخص‌ها در این نواحی نشان‌دهنده این است که نتایج حاصل از روش تاپسیس به واقعیت، نزدیک‌تر می‌باشد.

جدول ۵- امتیاز و رتبه نهایی وضعیت اجتماعی مناطق شهر یزد

	روش تاپسیس		روش تاکسونومی	
ناحیه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه
۱-۱	۰/۵۶	۵	۰/۶۶	۶
۲-۱	۰/۷۸	۳	۰/۶۹	۷
۱-۲	۰/۲۱	۷	۰/۷۳	۸
۲-۲	۰/۶۹	۴	۰/۶۳	۴/۵
۳-۲	۰/۵۶	۵	۰/۶۳	۴/۵
۴-۲	۰/۵۱	۶	۰/۵۹	۲
۱-۳	۰/۸۹	۲	۰/۶۲	۳
۲-۳	۰/۹۷	۱	۰/۵۱	۱
ضریب تغییرات (R)	۰/۷۶		۰/۲۲	

منبع: (محاسبات نگارندگان)

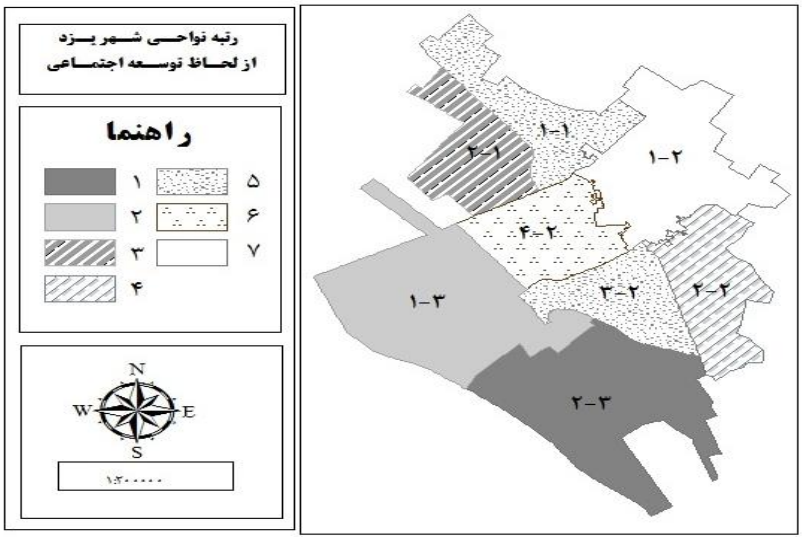

نقشه۲- رتبه نواحی شهر یزد از لحاظ توسعه اجتماعی براساس روش تاپسیس

منبع: (یافته‌های نگارندگان)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

به منظور بررسی نابرابری‌های فضایی، قیمت زمین در ۲۴ نقطه مختلف شهر یزد به صورت تصادفی جمع‌آوری گردید؛ بدین صورت که از هر ناحیه ۳ نقطه برگزیده شد و قیمت زمین در این نقاط با استفاده از دفترچه ارزش معاملاتی املاک شهرستان یزد و حومه در سال ۱۳۹۱ مشخص گردید. برای بررسی اینکه آیا بین قیمت زمین در مناطق و نیز در نواحی مختلف شهر تفاوت معناداری وجود دارد یا خیر، با استفاده از اطلاعات حاصل از نمونه، از آزمون ANOVA استفاده شد. جدول ۶، نتایج حاصل از این آزمون را نشان می‌دهد. با توجه به میزان P-VALUE، تفاوت قیمت زمین در مناطق سه‌گانه شهر یزد، معنادار نبوده؛ اما این تفاوت قیمت میان نواحی مختلف آن، معنادار ارزیابی شده است.

جدول ۶- نتایج آزمون ANOVA (برابری قیمت زمین در مناطق و نواحی شهر یزد)

	p-value
منطقه	۰/۲۶۶
ناحیه	۰/۰۱۶

منبع: (محاسبات نگارندگان)

بررسی میانگین قیمت زمین در نواحی و مناطق مختلف شهر که در جداول ۷ و ۸ و نقشه ۳ قابل مشاهده است، نشان می‌دهد که بیشترین قیمت زمین متعلق به ناحیه ۳-۲ است و کمترین میزان آن به ناحیه ۱-۱ تعلق دارد. دامنه تغییرات متوسط قیمت زمین برابر با ۱۷ می‌باشد که میزان چشمگیری است.

جدول ۷- میانگین قیمت زمین در نواحی شهر یزد (هزار ریال)

ناحیه	میانگین قیمت زمین
۱-۱	۳/۳۳
۲-۱	۱۶/۱۷
۱-۲	۷
۲-۲	۸/۶۷
۳-۲	۱۷/۱۷
۴-۲	۱۷/۱۷
۱-۳	۱۰/۱۷
۲-۳	۲۰/۳۳
دامنه تغیرات	۱۷

منبع: (سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۹۱ و محاسبات تحقیق)

جدول ۸- میانگین قیمت زمین در مناطق شهر یزد (هزار ریال)

منطقه	میانگین قیمت زمین
۱	۹/۷۵
۲	۱۲/۵۰
۳	۱۵/۲۵
دامنه تغییرات	۵/۵

منبع: (سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۹۱ و محاسبات تحقیق)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

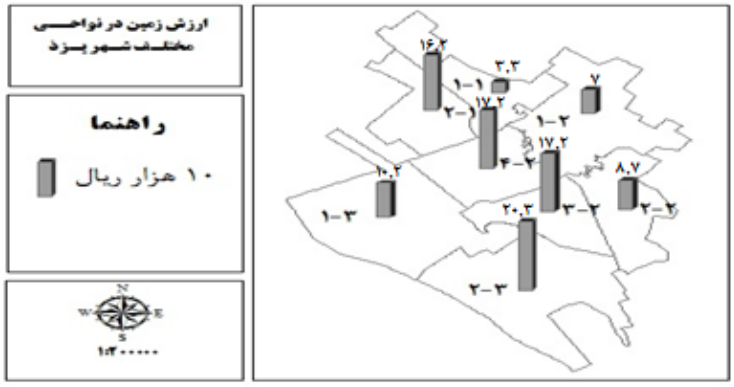

نقشه۳- ارزش زمین در نواحی مختلف شهر یزد

منبع: (یافته‌های نگارندگان)

در نهایت برای پاسخ به سؤال تحقیق، به بررسی این موضوع پرداخته شد که آیا توسعه اجتماعی مناطق و نواحی، ارتباطی با قیمت زمین در آنها دارد یا خیر. بدین منظور با توجه به اطلاعات گردآوری شده، جدول ۸ حاصل گردید.

جدول ۸- قیمت زمین و امتیاز مناطق و نواحی شهر یزد از لحاظ توسعه اجتماعی

منطقه	ناحیه	نمونه	امتیاز منطقه (تاپسیس)	رتبه منطقه	امتیاز ناحیه (تاپسیس)	رتبه ناحیه	قیمت زمین (هزار ریال)
۱	۱-۱	۱	۰/۷۴	۲	۰/۵۶	۵/۵	۱۳۵۰
		۲	۰/۷۴	۲	۰/۵۶	۵/۵	۱۳۵۰
		۳	۰/۷۴	۲	۰/۵۶	۵/۵	۸۲۵
	۲-۱	۱	۰/۷۴	۲	۰/۷۸	۳	۲۲۰۰
		۲	۰/۷۴	۲	۰/۷۸	۳	۳۶۰۰
		۳	۰/۷۴	۲	۰/۷۸	۳	۷۶۰۰
۲	۱-۲	۱	۰/۰۸	۳	۰/۲۱	۸	۱۶۵۰
		۲	۰/۰۸	۳	۰/۲۱	۸	۱۴۵۰
		۳	۰/۰۸	۳	۰/۲۱	۸	۱۵۵۰
	۲-۲	۱	۰/۰۸	۳	۰/۶۹	۴	۱۱۰۰
		۲	۰/۰۸	۳	۰/۶۹	۴	۵۵۰۰
		۳	۰/۰۸	۳	۰/۶۹	۴	۱۱۰۰
	۳-۲	۱	۰/۰۸	۳	۰/۵۶	۵/۵	۳۸۵۰
		۲	۰/۰۸	۳	۰/۵۶	۵/۵	۴۱۵۰
		۳	۰/۰۸	۳	۰/۵۶	۵/۵	۴۰۰۰
	۴-۲	۱	۰/۰۸	۳	۰/۵۱	۷	۲۷۵۰
		۲	۰/۰۸	۳	۰/۵۱	۷	۴۱۵۰
		۳	۰/۰۸	۳	۰/۵۱	۷	۴۷۰۰
۳	۱-۳	۱	۰/۹۵	۱	۰/۸۹	۲	۲۰۰۰
		۲	۰/۹۵	۱	۰/۸۹	۲	۱۸۰۰
		۳	۰/۹۵	۱	۰/۸۹	۲	۲۲۰۰
	۲-۳	۱	۰/۹۵	۱	۰/۹۷	۱	۳۳۰۰
		۲	۰/۹۵	۱	۰/۹۷	۱	۱۱۰۰۰
		۳	۰/۹۵	۱	۰/۹۷	۱	۱۰۰۰۰

منبع: (محاسبات تحقیق)

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

جدول ۹- آزمون ضریب همبستگی بین توسعه اجتماعی مناطق و نواحی شهر یزد و میانگین قیمت زمین

	متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	p-value
منطقه	توسعه اجتماعی و قیمت زمین	۰/۲۲۹	۰/۲۸۱
ناحیه	توسعه اجتماعی و قیمت زمین	۰/۴۵۱	۰/۰۲۷

منبع: (محاسبات تحقیق)

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۹، بین توسعه اجتماعی منطقه و قیمت زمین، رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما در مورد ناحیه، عکس این حالت صدق می‌کند؛ بدین معنی که بین توسعه اجتماعی و قیمت زمین، رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به علامت ضریب همبستگی بین این دو، این نتیجه حاصل می‌شود که رابطه همبستگی بین توسعه اجتماعی و قیمت زمین در شهر یزد مثبت می‌باشد؛ به‌طوری که با بالا رفتن میزان توسعه اجتماعی در نواحی، قیمت زمین نیز افزایش می‌یابد.

این بدان معناست که بین نابرابری‌های اجتماعی و نابرابری‌های فضایی، رابطه معناداری وجود دارد؛ به‌طوری که آن دسته از نواحی که از توسعه اجتماعی بالاتری برخوردار هستند، دارای ارزش زمین بالاتری نیز می‌باشند. به عبارت دیگر، قیمت زمین در نواحی که توسعه اجتماعی پایین‌تری دارند، کمتر از نواحی با توسعه اجتماعی بالاتر است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

روند شهری شدن جهان در کشورهای در حال توسعه با عدم‌تعادل‌های خدماتی و پراکنش جمعیت و رشد بی‌قواره شهری، مواجه بوده است؛ به طوری که ناپایداری حاصل از این رشد ناموزون، به شکل عدم‌تعادل‌های فضایی- اجتماعی با نمودهای فقر شهری، اسکان و اشتغال غیررسمی و آلودگی‌های زیستی نمایان شده است (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۹). شهر یزد نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ رشد شتابان جمعیت شهری و ناتوانی در پاسخگویی به نیاز این جمعیت که ناشی از آمادگی نداشتن برای رویارویی با این وضعیت بوده، نقطه شروعی برای پیدایش نابرابری‌های مختلف شده است. نابرابری‌های اجتماعی قبل از هر چیز در معیارهای زندگی بازتاب داده می‌شود و به نوبه خود با فرصت‌ها و کیفیت زندگی ارتباط دارد. نتایج تحقیق نشان دادند در چند دهه اخیر، در نتیجه توسعه نامنظم و رشد بی‌رویه شهر یزد، مناطق و نواحی شهر یزد از لحاظ توسعه‌یافتگی اجتماعی، نابرابر بوده و نیز شاهد ارزش متفاوت زمین در این نواحی و در نتیجه عدم‌تعادل‌های فضایی در شهر هستیم. بررسی ارتباط بین توسعه اجتماعی نواحی و ارزش زمین در این نقاط روشن کرد که با افزایش رتبه نواحی از لحاظ توسعه‌یافتگی اجتماعی، ارزش زمین نیز در آنها افزایش می‌یابد که بیانگر رابطه معنادار و همبستگی مثبت میان این دو مقوله می‌باشد. به علاوه با توجه به زیاد بودن فاصله تغییرات در زمینه توسعه اجتماعی و نیز ارزش زمین در مناطق و نواحی مختلف شهر، شاهد جدایی‌گزینی اجتماعی در شهر یزد می‌باشیم که شهر را به سمت دوقطبی شدن پیش می‌برد. این امر توجهات بیشتر در زمینه توزیع عادلانه منابع، امکانات و خدمات شهری را در سطح مناطق هشت‌گانه شهر ضروری می‌نماید. لذا سازمان‌یابی فضایی و الگوی سرمایه‌گذاری‌ها در سطح شهر باید به نحوی باشد که ساختار اکولوژیکی انسانی و طبیعی شهر را بر هم نزند و این امر مستلزم یافتن روشی

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

عادلانه برای تعیین و سنجش نیاز است. در این راستا پیشنهاد می‌گردد:

- توجه به کمبود در توزیع و توجه به نیاز تخصیص امکانات به شهروندان
- کنترل و نظارت بر واگذاری زمین بین شهروندان به شکلی که سوداگری زمین متوقف شود.
- برنامه‌ریزی برای برطرف کردن محدودیت‌های فیزیکی و کالبدی
- عدم‌توجه به اقدامات مقطعی و تصمیمات یک‌باره و اتخاذ تدابیر مطلوب مالی و اجرایی
- تقویت توان نواحی مختلف شهر در جهت پاسخگویی به نیازهای امروزی و اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی.

۷- منابع

امان‌پور، سعید؛ رزمگیر، فاطمه؛ دامن باغ، صفیه؛ حسینی سیاه گلی، مهناز. (۱۳۹۳). تحلیل تطبیقی خدمات شهری در شهر اهواز با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی FAHP، *چشم‌انداز زاگرس*، ۶(۲۰)، ۱۵۹-۱۳۷.

تیربند، مجید؛ اذانی، مهری. (۱۳۹۱). توزیع امکانات و خدمات شهری بر اساس عدالت اجتماعی (مورد شهر یاسوج)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۲(پیاپی ۴۶))، ۱۳۸-۱۰۹.

حاتمی‌نژاد، حسین؛ راستی، عمران. (۱۳۸۵). عدالت اجتماعی و عدالت فضایی (منطقه‌ای) بررسی و مقایسه نظریات جان رالز و دیوید هاروی، *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، ۳(۱(پیاپی۹))، ۹۵-۸۲.

حاتمی‌نژاد، حسین؛ فرهودی، رحمت‌الله؛ محمدپور جابری، مرتضی. (۱۳۸۷). تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری مورد مطالعه: شهر اسفراین، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۶۵، ۸۵-۷۱.

حاتمی‌نژاد، حسین؛ منوچهری میاندوآب، ایوب؛ بهارلو، ایمان؛ ابراهیم‌پور، احد؛ حاتمی‌نژاد، حجت. (۱۳۹۱). شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای (مطالعه موردی: محله‌های قدیمی شهر میاندوآب)، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۸۰، ۶۳-۴۱.

دانشپور، زهره. (۱۳۸۵). تحلیل نابرابری فضایی در محیط‌های پیرا- شهری (کوششی در استفاده از رهیافت برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی در تهران)، *هنرهای زیبا*، شماره ۲۸، ۵-۱۴.

دستا، فرزانه. (۱۳۹۰). *تحلیل فرم فضایی توسعه فیزیکی شهر یزد*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور رضوانشهر صدوق.

ربانی، رسول؛ کلانتری، صمد؛ هاشمیان‌فر، علی. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین عوامل اجتماعی با نابرابری‌های اجتماعی، *رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۱)، ۳۰۵-۲۶۷.

رستمی، مسلم؛ شاعلی، جعفر. (۱۳۸۸). تحلیل توزیع فضایی خدمات شهری در شهر کرمانشاه، *چشم‌انداز جغرافیایی*، ۴(۹) ۵۱-۲۷.

روستایی، شهریور؛ احدنژاد، محسن؛ اصغری زمانی، اکبر؛ زنگنه، علیرضا. (۱۳۹۱). الگوی تطبیقی گسترش فقر در شهر کرمانشاه در دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵، مطالعات و *پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۳(۱۲)، ۱۷-۴۰.

رهنما، محمدرحیم؛ ذبیحی، جواد. (۱۳۹۰). تحلیل توزیع تسهیلات عمومی شهری در راستای عدالت فضایی با مدل یکپارچه دسترسی در مشهد، *جغرافیا و توسعه*، ۹(۲۳)، ۲۶- ۵.

زیاری، کرامت‌الله؛ مهدیان بهنمیری، معصومه؛ مهدی، علی. (۱۳۹۲). بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت و قابلیت دسترسی در شهر بابلسر، *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۳(۲۸)، ۲۴۱-۲۱۷.

سازمان امور مالیاتی کشور. (۱۳۹۱). *ارزش معاملاتی املاک شهرستان یزد و حومه*.

شریف‌زادگان، محمدحسین. (۱۳۸۶). راهبردهای توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی، *رفاه اجتماعی*، شماره ۲۴، ۲۹-۹.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]

ضرابی، اصغر؛ موسوی، میرنجف. (۱۳۸۹). تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری یزد، *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۹۷، ۲۷-۴۶.

طبیبیان، منوچهر؛ شکوهی، محمد صالح؛ ارباب، پارسا. (۱۳۸۹). ارزیابی عدالت اجتماعی در طرح منظر شهری محله خوب بخت، منطقه ۱۵ شهرداری تهران، *معماری و شهرسازی آرمانشهر*، ۳(۵)، ۱۱۱-۱۲۲.

طهماسبی، فردین؛ میرزایی، خلیل؛ کامران، فریدون. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای آنها در شهر تهران، *پژوهش‌های اجتماعی*، ۵(۱۴)، ۱۰۰-۷۵.

لشکری، علیرضا. (۱۳۸۸). حق، عدالت و جامعه، *جستارهای اقتصادی*، ۶(۱۲)، ۳۱-۵۷.

مرصوصی، نفیسه. (۱۳۸۶). تحلیلی جغرافیایی از تئوری‌های عدالت اجتماعی، *علوم جغرافیایی*، شماره ۱۰، ۱۲۴-۱۰۷.

موسوی، میرنجف. (۱۳۹۱). شکل پایدار شهر و عدالت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر میاندوآب)، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۸۰، ۱۹۲-۱۷۷.

مهندسین مشاور آرمانشهر. (۱۳۸۸). *طرح تفصیلی شهر یزد*.

وارثی، حمیدرضا؛ زنگی‌آبادی، علی؛ یغفوری، حسین. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی توزیع خدمات عمومی شهری از منظر عدالت اجتماعی: زاهدان، *جغرافیا و توسعه*، شماره ۱۱، ۱۵۶-۱۳۹.

وارثی، حمیدرضا؛ قائدرحمتی؛ صفر، باستانی‌فر، ایمان. (۱۳۸۶). بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم‌تعادل فضایی جمعیت مطالعه موردی؛ مناطق شهر اصفهان، *جغرافیا و توسعه*، شماره ۹، ۱۰۶-۹۱.

Alvaredo, F., Gasparini, L. (۲۰۱۳). Recent trends in inequality and poverty in developing countries. *Documentos de Trabajo del CEDLAS*.

Binelli, C., Loveless, M., Whitefield, S. (۲۰۱۵). What is social inequality and why does it matter? Evidence from central and eastern Europe. *World Development*, ۷۰, ۲۳۹-۲۴۸.

Burton, E. (۲۰۰۱). *The compact city and social justice*. In A paper presented to the Housing Studies Association Spring Conference, Housing, Environment and Sustain ability, University of York.

Deverteuil, G. (۲۰۰۹). Inequality, *International Encyclopedia of Human Geography*, ۴۳۳-۴۴۵.

Lessmann, C. (۲۰۱۴). Spatial inequality and development—Is there an inverted-U relationship?. *Journal of Development Economics*, ۱۰۶, ۳۵-۵۱.

Mendes, M. (۲۰۱۴). *Inequality, Democracy, and Growth in Brazil: A Country at the Crossroads of Economic Development*. Academic Press.

Osberg, L. (۲۰۰۷). A Quarter Century of Economic Inequality in Canada: ۱۹۸۱-۲۰۰۶. *Department of Economics, Dalhousie University*.

Pakulski, Jan. (۲۰۰۸). *Social Equality and Inequality*, Encyclopedia of Violence, Peace, & Conflict (Second Edition), ۱۹۳۹–۱۹۵۴.

https://maps.google.com

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1394.4.13.3.0]